



• سه شنبه ۲۵ دی ۱۳۹۷ • شماره ۱۳۳۶

حدیث روز

امام زمان (عج): من مایه امان اهل زمینم؛ چنان که ستارگان مایه امان اهل آسمانند. **بحار الانوار**

ذکر روز سه شنبه

صد مرتبه «یا رحیم الرحیم»

در محضر بزرگان

اعتقاد به معاد بهترین مکتب آموزنده

آیت ا... جوادی آملی می فرماید: عمده مسئله معاد است، اعتقاد به معاد بهترین مکتب آموزنده است، زیرا در قیامت همه خاطرات را یک جا می بینیم و چنین عالمی برای ابدی می ماند، نه زمان دارد نه زمین. این عقیده اصل کلی است که به تمام شئون انسان ها احاطه دارد، چه دیگران ما را ببینند یا نه، تشویق کنند یا نه، چون همیشه در مرآی و نظر خدا هستیم.

پایگاه خبری جماران

حکایت

جوان خر دمند

جوانی که از دانش روز اطلاع کافی داشت، در محفلی که همه افراد حاضر در آن اظهار نظر می کردند، سکوت کرده بود. پدرش که در کنار او نشسته بود، گفت: تو هم آن چه را می دانی بگو! پسر پاسخ داد: می ترسم از من سوالی کنند از آن چه نمی دانم و شر مسار شوم. نشنیده ای که گفته اند:

آن شنیدی که صوفی ای می کوفت زیر نعلین خویش میخی چند آستینش گرفت سرهنگی که بیانبل بر ستورم بند

بر گرفته از گلستان سعدی

بریده کتاب

چرایی و چگونگی زندگی

من به جرئت می گویم که در دنیا چیزی وجود ندارد که به انسان بیشتر از یافتن «معنی» وجودی خود در زندگی یاری کند. در این گفته نیچه حکمتی عظیم نهفته است که: کسی که چرایی زندگی را یافته است، با هر چگونگی حوادث ساخت.

بر گرفته از «انسان در جست وجوی معنی» اثر ویکتور فرانکل

قرار مدار

اندکی صبر

رنگین کمان

امیرعلی قربانی فارسانی

به سوی تو دویدم
همان رنگین کمان زیبا
در انتهای جاده باران خورده
پر از ترس کود کانه ام
نکند
قبل از رسیدن رفته باشی

دنیا به روایت تصویر



گار دین | کارگاه عروسک سازی

فتوشعر

من ماهیام اما به سرم شور نهنگ است این برکه بی‌حوصله اندازه من نیست



سمنه‌ها

دیزالو

سیمرغ بلورین می رسد به...

محمد علی محمد پور | طنزپرداز

اجازه دهید این هفته هم دیزالو را با جشنواره فجر آغاز کنیم. آقای سیدضیاء هاشمی از تهیه کنندگان سینما اعلام کرده طبق جلساتی که با دبیر جشنواره فجر داشتند، جشنواره با بحران بی‌پولی مواجه است و ظاهر ا بودجه جشنواره مصارف دیگری داشته است. این مصارف دیگر، واقعاتن و بدن ما را می لرزاند. حقیقتا تحمل شنیدن این رانداریم که با بودجه جشنواره فجر، کسانی علوفه دام بارز دولتی وارد کرده باشند یا لکسوس آبی خریده باشند، یعنی اگر بشنویم اعصاب مان تار آنتینویی می شود.

همچنین خبر رسید که اصغر فرهادی هم برای قرارگیری در هیئت داوران جشنواره دعوت شده، منتها آن را نپذیرفته است. خب البته خوشحال می شدیم ایشان با آن همه تجربه و افتخار بین المللی در این جشنواره حضور می داشت، ولی قبول کنید داور ی ایشان جشنواره را خیلی عجیب و غریب می کرد. مثلا فرض کنید همه جایزه ها را می دادند و به جایزه اصلی بهترین فیلم که می رسیدند این جوری می شد: «سیمرغ بلورین بهترین فیلم هم می رسد به...» همه منتظر می ماندند. تعلیق رفته رفته زیادت می شد. یک دقیقه، پنج دقیقه، ده دقیقه، نیم ساعت، خبری نمی شدو جشنواره با همین تعلیق و پایان باز تمام می شد. بعد هم می گفتند هیچی دیگه، داور ی آقای فرهادی بود، منتظر چی هستید؟

اما به تازگی نظر سنجی جدیدی هم از برنامه های پر طرفدار صداوسیمامنشر شد که براساس آن، دکان و دستگاه «برنده باش» - بیخشید! - مسابقه «برنده باش» به عنوان پر طرفدارترین برنامه شناخته شد و برنامه «نود» به جایگاه سوم نزول کرد. نکته جالبی که بعضی خبرگزاری ها منتشر کردند جمعیت آماری کم این نظر سنجی بود. به طوری که گفته شد این نظر سنجی فقط در بین حدود ۴۰۰ شهر وند تهرانی انجام شده است. به همین دلیل بعضی معتقدند این می تواند بهانه ای شود که رسانه ملی، فردوسی پورا کنار بگذارد. واقعا هم خیلی بستگی داشته که این ۴۰۰ نفر را از بین چه کسانی انتخاب کرده باشند مثلا از بین مادر بزرگ ها و کودکان که اصلا نمی دانند برنامه نود چیست یا از بین جوانان که مخاطبان این برنامه هستند. اگر صحبت از رفتن فردوسی پور باشد احتمالا قوی ترین گزینه جایگزین امیر حسین میثاقی است که این روزها صبح کر که صداوسیمارا او بالا می کشد و شب با پادر میانی بزرگ ترهای تلویزیون از رسانه ملی خارج می شود. البته بعضی هم می گویند کلا خارج نمی شود و همان جالفاف تشک می اندازد. خلاصه که این جوری است دیگر، ناگهان کسی مورد اقبال مدیران قرار می گیردو کلاشانه روزی هست، یک نفر هم ناگهان ممنوع التصویر می شودو مدیران هر چه برنامه و فیلم داشته را دور می ریزند و بلاکش می کنند.

سه نقطه



گنتی ایمیح| شتربانی در حال آموزش شترهایش برای افزایش استقامت در مسابقات، ترکیه

تاپخند

- کیبور د کامپیوترم از روی میز افتاد زمین، از توش بیست کیلو پوست تخمه، خرده چیپس و پفک، نرمه بیسکویت و کلی موبیرون ریخت... یک لنگه جورابی هم که گمش کرده بودم، پیدا کردم!
- کاش دنیا برعکس بود... واسه رژیم لاغری روزی ۳ تاپیتزا می خور دیمم با سیب زمینی سرخ کرده، روز بعد سه پرس کوبیده و نوشابه، آخر هفته هم ۴ کیلو کم می کردیم!
- سعی کنید هیچ وقت با پدرتون سر این که لازم نیست همه بخش های خبری رو ببینه بحث نکنید، وگرنه مجبور می شید حتی اخبار جوانه های شبکه ۲ رو هم ببینید!
- پچه ای که تازه به دنیا اومده شبیه سیب زمینی نرسیده است... این قدر نپرسید شبیه کیه!
- همه پسر ها یک عکس تو ۲۰ سالگی شون گرفتن که خیلی خوب افتادن و تا خود ۴۰ سالگی آواتار تمام اکانت های مجازی شونه!

دور دنیا

تعطیلات لوکس خرس عروسکی گمشده در هاوایی

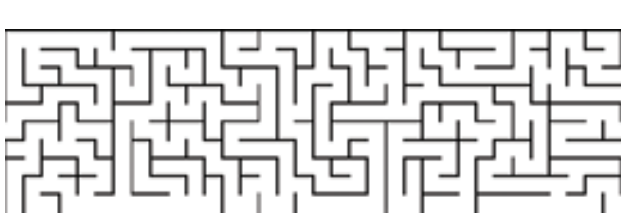


سی ان ان- روز گذشته خبر و عکس هایی از خوشگذرانی یک عروسک در شبکه های اجتماعی دست به دست شد! خرس عروسکی یک پسر بچه که به همراه خانواده اش برای تعطیلات به هاوایی رفته بود، بعد از ترک هتل در اتاق جا ماند. پس از بی قراری این کودک برای گم شدن عروسکش، مادرش به رئیس هتل ایمیلی ارسال کرد و از بی تابی فرزندش برای دوری از خرس عروسکی نوشت. بعد از پیگیری رئیس هتل، عروسک در رختشویی هتل و لا به لا ی ملافه ها پیدا شد. «ورپل» یکی از کارکنان هتل به مادر این کودک ایمیلی فرستادو او را در جریان پیدا شدن خرس عروسکی قرار داد. به همراه این نامه هم تعدادی عکس بامزه از «سوترو» این عروسک خرسی با عروسک گمشده دیگری در هتل که در حال خوشگذرانی بودند، ارسال کرد. «ورپل» دلیل این کارش را این طور بیان کرد: «من کاملا مادر این کودک را درک می کنم و خوب می فهمم که بچه ها وقتی عروسکی را که به آن وابسته هستند گم کنند چه احساس بدی پیدا می کنند. با ارسال این عکس ها برای این پسر بچه خواستم به او اطمینان خاطر بدهم که عروسکش از بودن در این هتل آن قدر خوشحال است که دوست دارد چند روزی بیشتر نزد ما بماند ولی خیلی زود به خانه بر می گردد. در این صورت تا رسیدن عروسک به خانه، کودک بی قراری نخواهد کرد!»

خالکوبی پیراهن تیم

آدیتی سنترال- یکی از هواداران فوتبال پرو، به تازگی عشق خودش را به این تیم با تمام وجودش ثابت کرده است. او ۶۰ ساعت تمام در حال خالکوبی پیراهن این تیم بر بدنش بوده است. این خالکوبی، طرح اصلی پیراهن تیم ملی این کشور است که این هوادار هزینه زیادی را هم بابت آن پرداخته است.

مارپیچ (سختی ۶۰٪)



گار دین | رهاسازی نوزادان لاک پشت محافظت شده به سمت دریا. اندونزی

تفال

وفا مجوز کس ور سخن نمی شنوی

به هره طالب سیمرخ و کیمیا می باش

مرید طاعت بیگانگان مشو حافظ

ولی معاشر نردان پار سا می باش

خودمونی

خود همه چیز پندار



سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

مینا وحید که به تازگی بعد از ایفای چند نقش معمولی در سینما، با حضور در سریال «بانوی عمارت» بین مخاطبان شناخته شده، در اظهار نظری عجیب در گفت و گو با یک تلویزیون اینترنتی به مجری می گوید: «اگر من الان با شما دست بدهم چه کار می شود؟» تا این جای ماجرا را فعلاً داشته باشید...

بازیگر شدن اتفاق خیلی خوبی است، البته برای جامعه نه، بلکه برای همان کسی که به محض بازیگر شدن و اندکی مورد توجه قرار گرفتن تصور می کند باید در باره همه چیز نظر بدهد و ابر از نگرانی کند. یعنی بازیگری در کشور ما گاهی همردیف مشاغل مهمی مثل دبیر کلی سازمان ملل است. همان طور که دبیر کل سازمان ملل به جای اقدام عملی در خصوص جنگ و جنایت در دنیا، مدام از بروز فاجعه انسانی در نقاط مختلف دنیا ابراز نگرانی می کند تا حقوقش حلال شود و تنها کاری را که از دستش بر می آید، انجام داده باشد بازیگران ماهم در باره مسائل مختلف نظر می دهند و ابراز نگرانی می کنند. البته اگر جلب توجه مخاطب به موضوعات فرهنگی، زیست محیطی و... با نیت جلب توجه نباشد و با سبک زندگی آن آدم، قبل وبعد از شهرت متناسب باشد که خیلی هم عالی است و نقدی به آن نداریم. اما بعضی وقت ها حس می شود تظاهر در در مرکز توجه بودن و از قافله عقب نماندن انگیز بعضی ها در اظهار نظر هاست گاهی این رفتار آن قدر ناجور می شود که بازیگر گرامی حتی به موضوعاتی ورود می کند که اصلا صلاحیت اظهار نظر در باره آن ها را ندارد. حالا ماجرای اظهار نظر اخیر خانم مینا وحید همین است و از یک ابراز نگرانی در باره سرما خوردن گنجشک هادر زمستان یا رعایت نکردن فاصله طولی با خودروهای دیگر د شده و وار دحوزه ای شده که در تخصص و صلاحیت ایشان نیست. این که احیاناً ایشان شاید چیزی را رعایت نکنند یک بحث است و در جای خودش پند است اما این که با لحنی حق به جانب و فراتر از صلاحیتش برای اشتباهش دلایلی بیاورد و بخواهد جامعه را هم به آن رفتار ترغیب کند، خیلی بدتر است. کاش بازیگر شدن فقط و فقط ز مینه ای فراهم کند تا آدم های بی استعداد به لطف شهرت شعر بگویند یا نمایشگاه عکس و نقاشی بر گزار کنند اما...

نیم دقیقه ای

عشق در زندگی مشترک



خانم هاوار د در جمع دوستانش با اشتیاق مشغول تعریف از زندگی اش بود و گفت: «من و همسر من تواین ۲۵ سالی که ازدواج کردیم، تا حالا یک لحظه هم به طلاق فکر نکردیم!» دوستانش با تعجب پرسیدند: «یعنی حتی یک لحظه هم به ذهن تون نرسیده از هم جدا بشین؟» خانم هاوار د با افتخار گفت: «به طلاق هرگز فکر نکردیم، ولی هفته ای چند بار به قتل همدیگه فکر می کنیم!»

ترجمه و تصویر سازی: فرنگیس یاقوتی، سعید مرادی

ماوشما

راهار تباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

تا اون جایی که می دونم زن دوم و حتی سومشونه! معمولاً اختلافات و بداخلاقی ها برای زن اوله، چون همسر شون خیلی از شون کوچک تره مجبورن مطیع باشن! * در همسایگی ما پیرزنی به تنهایی زندگی می کند با این که فرزند دارد، آن هم پسر، ولی تنهاست و می ترسد. نه همسر تا آخر عمر برای آدم می ماند، نه فرزندان امروز مرام و معرفت گذشته را دارند. * آق کمال: با من صنادل یک دله کن، گر سر نهم و انگه گله کن! آق کمال: یعنی مگن چوتخته پاره بر موج، ره رها رها مو؟! * جریان راننده اتوبوسی که یک بچه رو تو خیابون پیدا کرده بود، خیلی جالب بود. نشون میده هنوز انسانیت نمرده. دمش گرم. * سلام کمال جون، در این وانفسای دوستی ها و دوری ها! مویم درُم شصت و پنج ساله مُژم. پس فردا تولدمه، آق کمال یاددت نره ها، مو یوم و همی خراسان. بابای دل نازک پیر از او دور دورا آق کمال: ای مو قربون همچی باباهای دل نازک و زنده دلی برم. تولدتان مبارک، ایشالا که صد و شصت و پنج ساله برن. * کسانی رو که برای مطلب اختلاف سنی زوج ها مثال زدید